



بازخوانی کیفیت استهلاک در ماده ۲۶۴ ق.م.ا و تأثیر آن در شناسایی و تشخیص ضابطه جرم

محمد رخشانی^۱، محمد زبده^۲ و علی محمدیان^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۶

دوفصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۰۳
دوره پنجم، شماره دهم



چکیده

«استهلاک» در کنار «انقلاب و انتقال» در شمار اسباب تبدل موضوع قرار دارند. مطابق نظریه‌ای رایج در فقه و حقوق اسلامی، در جایی که خمر به وسیله امتزاج با ماده‌ای دیگر از بین رفته و مستهلك شود، بسیاری از اندیشوران همچنان قائل به ثبوت کیفر شده و برای این منظور به پاره‌ای از مستندات فقهی و حقوقی استناد نموده‌اند. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و در راستای تعیین و تشخیص ضابطه استوار برای شناسایی مختصات تحقق جرم، به بررسی و نقد ادله استنادی می‌پردازد. نگارندگان برآنند ملاک جرم‌انگاری موضوع مزبور، وصف اسکار بوده و از آنجا که استهلاک موجب زوال آن می‌شود، لذا ثابت دانستن کیفر، محل تردید خواهد بود. چه احکام بر بنیاد مصالح و مفاسد صادر می‌شوند و با زوال مفسده یعنی وصف اسکار، حد و حرمت نیز ساقط می‌گردد. برآمد پژوهش آن است که با توجه به ناتمام بودن ادعایی، همچنین با بهره‌مندی از داده‌های علم شیمی بی‌تردید شایسته اسکار با استهلاک ساقط شده و ثابت دانستن کیفر شرعی و قانونی فاقد وجهت است. مؤید دیگر با توجه به وجود شبهه در فرض مسئله، «قاعده درأ» می‌باشد.

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲- دانش‌آموخته کارشناس ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

۳- گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قانات، قائن، ایران.

واژه‌های اصلی: استهلاک خمر، کشف جرم، مسکر، حکم شرعی، اثرکفیری.

۱- مقدمه

احکام مرتبط با مسکرات به علت نابهنجاری‌ها و تأثیرات مخربی که بر جسم و روان فرد می‌گذارد از حساسیت بالا و مورد توجه دین اسلام است. مسکرات، که گوهر وجودی انسان یعنی عقل را زایل می‌کند در شرع مقدس مورد نهی و تحریم واقع شده و برای استعمال‌کننده آن کیفر حدی در نظر گرفته شده است. قوانین موضوعه نیز به تبع آن شرب خمر را جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین نموده است. چنان‌که مواد ۲۶۴ و ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲ (از این پس ق.م.ا) ضمن تعریف مصرف مسکر، به تعیین میزان مجازات حدی آن پرداخته است. در بخشی از ماده ۲۶۴ به متابعت از دیدگاه مشهور فقیهان در ذکر اوصاف مسکر عبارت مطلق «مست کند یا نکند»، به کار رفته است؛ در ادامه همین ماده حالتی که خمر به امتزاج با ماده‌ای دیگر از مسکر بودن خارج شده است را از شمار مستوجبات حد شرب خمر خارج نموده است. این رویه قانون‌گذار در صدر و ذیل ماده، موجب سردرگمی و تناقض است. چه استفاد از انتهای ماده، اجرای حد در صورت وجوب حالت اسکار است؛ با وجود این، میان اینکه ارتفاع حالت سکریت به سبب امتزاج با ماده دیگر بوده یا خود به خود روی داده باشد نباید افتراقی قائل شد و بر این سامان مشمول حد نخواهد بود.

پژوهش حاضر، درصدد است تا حکم شرعی و اثرات حقوقی مترتب بر استهلاک مسکرات در مایع حلال دیگر را مطمح نظر قرار داده و وجود یا عدم وجود ملازمه میان حرمت و حد در فرض مزبور که برخی بیان نموده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸، ۶۸/۱۶؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۴۸۱/۲۵) را بررسی نماید. بنابراین، در ادامه، به بررسی و پاسخ به چند مسئله خواهیم پرداخت: فقیهان در رابطه با استهلاک مسکر در مایعات به فراخور حرمت یا حلیت آن مایع چه دیدگاهی دارند؟ استهلاک مسکر موجب زوال وصف اسکار است یا این وصف همچنان باقی خواهد بود؟ تناول مسکر مستهلک شده (مطابق با شأنیت اسکار) آیا مستوجب حد شرعی است یا خیر؟ باید اذعان داشت مشهور معتقد به ذاتی بودن حرمت مایع خمر است و مستهلک شدن را سببی برای زوال وصف حرمت نمی‌دانند و در صورت شک در بقاء حرمت اقدام به استصحاب حرمت قبلی (یقین سابق) می‌نمایند. حال آنکه استناد به ذاتی بودن حرمت خمر و استصحاب آن تنها مطابق با ملاکات قول مشهور موجه است؛ اما در حالتی که استهلاک موجب زوال اسکار شده باشد، استصحاب حرمت قبلی (یقین سابق) بی‌تردید با اشکال جدی مواجه است. تفصیل بحث در ادامه مورد تبیین قرار خواهد گرفت. پژوهش



۱- ماده ۲۶۴: «صرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است. تبصره- خوردن فقاغ (آب جو

مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیآورد.»

ماده ۲۶۵: «حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است.»

با روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در جهت پاسخ به سؤالات مورد نظر برآمده است.

وجه نوآوری پژوهش حاضر آن است که ضمن بررسی، تحلیل و نقد آرا و ادله عموم فقیهان از متقدمین تا فقه‌های معاصر در مسئله حکم شرعی استعمال مسکر مستهلک شده، این مسئله را در علم شیمی نیز مطمح نظر قرار داده است. بررسی‌ها مؤید آن است که مسئله پیش‌رو تا به حال توسط محققان به صورت مجزا و با کیفیت حاضر مورد بررسی و امعان نظر واقع نشده است. از این‌رو، تحقیق حاضر می‌تواند باعث ایجاد مسیری در انجام سایر تحقیقات علمی مطابق با مبحث مورد نظر گردد.

۲- مفهوم‌شناسی استهلاک

استهلاک از ریشه «هَدَلَ كَ» در معنی نابودی و اهلاک است. همچنین ابن‌منظور آن را به معنی جدیت در کار نیز معنا کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۵۰۷/۱۰ و ۵۰۵/۵). در رابطه با معنی لغوی استهلاک نیز «نیست شدن، نابود شدن، فرسودگی، زوال و از بین رفتن»، آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۱۵/۵؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ۳۰۳/۷). افزون بر آن برخی آن را مرادف با اضمحلال دانسته‌اند (محقق کرکی، ۱۴۰۹، ۲۳۷/۳). در اصطلاح فقهی-حقوقی نیز معانی نابود کردن و از بین بردن که ذیل اتلاف مطرح می‌شود، همچنین معنی نابودی به واسطه استحاله، انقلاب و یا پخش و مستهلک شدن اجزاء چیزی در چیز دیگر که عرفاً بر آن غلبه دارد، به‌کار رفته است. به عنوان نمونه می‌توان به استهلاک قطره خون در آب و امتزاج شراب با آب به نحوی که در آن حل گردد، اشاره کرد (طوسی، ۱۳۸۷، ۸/۱؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۳۳۹/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۳۲/۳۴؛ شاه‌رودی، ۱۴۲۶، ۴۶۳/۱).

۳- اقوال موجود پیرامون حکم شرعی مسکر مستهلک شده

تبعات در متون فقهی نمایانگر آن است که فقیهان در رابطه با حکم شرعی که بر مسکر مستهلک شده باز می‌گردد، متفق القول نیستند؛ نگارندگان بدین منظور و پیش از بیان دیدگاه برگزیده، برآنند تا دیدگاه فقیهان را در دو دسته مشهور و مخالف مشهور مورد بررسی قرار دهند.

۱-۳- دیدگاه مشهور فقیهان

بررسی آراء فحول فقیهان متقدم همچون شیخ طوسی، ابوصلاح حلبی، سید مرتضی و دیگران نشان می‌دهد که ایشان استهلاک مسکر را به طور مطلق خواه کم یا زیاد باشد یا در وضعیتی که با مایعی دیگر همچون آب امتزاج یابد و به شکلی در آن مضمحل گردد را موجب از بین رفتن حکم حرمت نمی‌دانند؛ تنها در صورتی که خمر مستهلک شده به طور کلی به مایعی که با آن استهلاک حاصل آمده است تبدیل و دگرگون شده باشد استعمال آن را فاقد اشکال دانسته‌اند (حلبی، ابوصلاح، ۱۴۰۳؛ ۴۱۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰؛ ۵۹۳؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵؛ ۴۲۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۵؛ ۴۵۴؛ ابن‌جنید، ۱۴۱۶؛ ۳۴۸؛

ابن براج، ۱۴۰۶، ج: ۲، ۵۳۶). چنان‌که شیخ در النهایه ضمن بیان آنچه از نظر گذشت، با استناد به روایت ابن مهتدی از امام رضا علیه السلام، که از حضرت در مورد مقدار خمیری که در سرکه افتاد و مستهلک و مبدل به سرکه شده سؤال شد که حکم استفاده از آن چیست؟ امام (ع) در جواب، استفاده از آن را مشروط به آنکه خمر تبدیل به سرکه شده باشد، فاقد اشکال دانسته است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۹۳).

مشهور فقیهان متأخر نیز در رابطه با مسئله تحقیق حاضر قائل به حرمت خمر مستهلک می‌باشند؛ استظهار از کلام ایشان آن است که حتی امتزاج قطره‌ای خمر با سرکه زیاد و استهلاک آن، براساس جریان اصل عدم طهارت، دارای حکم شرعی حرمت است. تنها مستثنایی که مقتضی طهارت و خروج از حالت خمر بودن، صورتی است که انقلاب حاصل شده و خمر مبدل به سرکه شده باشد؛ ایشان بر این اعتقادند که انقلاب ظاهری و تقدیری کفایت نمی‌کند. پاره‌ای فقهای امامیه پیرامون حکم شرعی مسکر مستهلک شده آورده‌اند که اگر مقداری شراب با سرکه ممزوج شود محکوم به نجاست است، مگر اینکه آن شراب منقلب به سرکه شود و فرقی ندارد که این تبدیل به طریق استهلاک یا انقلاب باشد (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۷۷/۳؛ محقق حلی، ۱۳۸۷: ۱۵۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۱۳/۲؛ همو، ۱۴۲۰: ۶۴۲/۴). برخی دیگر از فقیهان متأخر نیز نظری مشابه با نظریه مزبور را ارائه داده و با استناد به روایت عبدالعزیز بیان داشته‌اند: «خمیری که با سرکه مستهلک شود حرام است، مگر اینکه بعد از مدتی یقین شود به اینکه در آن شراب انقلاب به سرکه صورت گرفته باشد، که در این حالت قابل استفاده است وگرنه به صرف امتزاج و استهلاک نمی‌توان حکم به طهارت کرد، بلکه طهارت و نجاست سرکه تابع نجاست خمر است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۶۸/۱؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۵۱۶).^۱

بیش‌تر فقهای معاصر نیز دیدگاهی همانند مشهور را اتخاذ نموده؛ ازجمله محقق خویی و امام خمینی (ره) در باب حد شرب خمر عرضه می‌دارند: «مسکر از هر نوع که باشد کم و زیاد آن فرقی نداشته و در هر حال حرام است»؛ ایشان به‌عنوان مستند به موثقه اسحاق بن عمار اشاره می‌نمایند؛^۲ همچنین در مورد حرمت مایع مستهلک شده به روایتی چند از وسائل (حرعاملی، ۱۴۰۹:



۱- صاحب جواهر در فرض مسئله بیان می‌دارد: «حکم شرعی مسکر و تناول آن در اسلام بدون وجود اختلاف حرام است و فرقی در اینکه خالص باشد یا ممزوج نیست، حتی اگر این امتزاج باعث از بین رفتن موجودیتش بشود در هر حال حرمت آن ثابت است چون حرمتش ذاتی است؛ پس اگر مقداری شراب با سرکه ممزوج و در آن مستهلک شود نمی‌توان حکم به حلیت آن داد، مگر اینکه در این باره یقین به وقوع انقلاب یا استحاله داشته باشیم و اگر گفته شود که در این حالت مانند جایی است که آبی نجس با پاک ممزوج و پاک شود لذا خمر با سرکه ممزوج شده و با امتزاج با مایع پاک عنوان خود را از دست داده است نوعی قیاس آشکار و باطل است و آنچه در روایت ابن مهتدی از امام رضا (ع) بیان شده مبنی بر اینکه در صورت امتزاج خمر با خل حکم به طهارت می‌شود مربوط به حالتی است که شراب تبدیل به سرکه شده باشد و غیر از آن مخالف با اصول و ادله است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۵۱/۴۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۸).

۲- متن روایت بدین شرح است: «از امام صادق علیه‌السلام در مورد مردی پرسیدم که یک جرعه شراب نوشید ایشان در جواب فرمودند کم و زیاد آن حرام است و همچنین در جایی که فردی خمر را با مایع دیگری مخلوط می‌کند به گونه‌ای

۲۳۳/۲۸) استناد کردند (خویی، ۱۴۱۰: ۴۵؛ همو، ۱۴۲۲: ۴۵؛ طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۱۸: ۶۴؛؛ خمینی موسوی، بی تا: ۴۷۹/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۴۵۶). برخی از معاصرین نیز با استناد به روایت دیگر اسحاق بن عمار قائل به ثبوت مطلق حکم حرمت برای خمر ممزوج شده اند (تبریزی، ۱۴۱۷: ۲۷۸).

۳-۲- دیدگاه مخالف

در مقابل مشهور، عده ای از فقها در مورد مسکری که با غیر خود امتزاج یافته و مستهلک شده را حرام نمی دانند؛ از جمله محقق خوانساری و مقدس اردبیلی در این باره بیان داشته اند: «تناول هر آنچه مسکر باشد از روی عمد و اختیار حرام است، پس تناول اعم از نوشیدن عادی یا استعمال در ادویه، غذا، دارو است»؛ ایشان در این باره به خبر اسحاق بن عمار تمسک کرده اند که می گوید: «از امام صادق در مورد مردی پرسیدم که جرعه ای از شراب می نوشد ایشان فرمودند وی را هشتاد تازیانه بزنید، چه قلیل و چه کثیر آن حرام است (ابن بابویه، ۱۳۸۶: ۲۲۵/۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۰/۲۸؛ موسوی خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲۳/۷)؛ اما این حکم شامل موردی که با وجود قلت و یا امتزاج وصف اسکار موجود باشد، است. اما اشکال در حالتی است که با غذا و دارو امتزاج یابد و در آن مستهلک شود، به مثابه استهلاک نمک در غذا که در این صورت نمی توان گفت حرام است؛ همان گونه که نمی توانیم بگوییم چون خوردن خاک حرام است پس آب فرات که با آن امتزاج یافته حرام است و یا وجود غدد در گوشت باعث می شود که آب آن با آب گوشت امتزاج یابد و گوشت حرام شود و باید از همه آنها پرهیز کرد؛ یا اگر قطره خونی در آب جاری قرار می گیرد و در آن مستهلک می شود باید از خوردن آن پرهیز کرد؛ بنابراین با وجود امتزاج و وقوع استهلاک حکم مذکور مورد اشکال است و از طرفی نمی توان گفت حرمت یک مقوله ذاتی است؛ زیرا ذات محرمه وجود ندارد، در واقع احکام مترتب بر مستمهای اسماء هستند؛ به عبارتی وقتی گفته می شود ذات محرمه وجود ندارد، یعنی «حرمت» وضعیت و حالتی است که تحت شرایطی حادث شده و تحت شرایط دیگر (یعنی با زوال عنوان حادث شده)، زایل می شود (موسوی خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲۲/۷؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۸۵/۱۳).



۴- بیان دیدگاه های فقیهان پیرامون استعمال خمر مستهلک شده

۴-۱- دیدگاه مشهور

همان طور که مشهور فقیهان در مسئله حکم شرعی خمر مستهلک شده قائل به تحریم آن می باشند، استعمال آن را نیز موجب ثبوت حد شرب خمر می دانند؛ ایشان معتقدند که مایع مزبور تفاوتی با خمر غیرمستهلک نداشته و مستوجب حد شرعی شرب خمر می باشد. به بیانی دیگر، مشهور فقها مسکر ممزوج را به مانند خالص حرام دانسته و استهلاک را دلیلی بر خروج خمر از حقیقت آن

ندانسته و همچنان آن را دارای وصف مسکریت می‌دانند. مستظهر از کلام مشهور آن است که ایشان خمر مستهلک را از حیث اسم و عنوان و به لحاظ کم یا زیاد بودن آن با خمر خالص فاقد افتراق دانسته و با بهره‌گیری از نصوص شرعی برآنند از آنجایی که به واسطه استهلاک قیدی در خمر وارد نشده هرچند ممکن است خمر مستهلک قابل تمییز نباشد یا موجب زوال موجودیت آن شده باشد، بازهم مستوجب ثبوت حد شرعی است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۰/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۵۸/۱۴؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۹۷/۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۴۵۰/۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۵/۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۴/۱۶؛ همو، ۱۴۱۲: ۳۱۴/۴؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۵۶۸/۲؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۵۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۲۳/۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۳۸: ۵۱۲/۴). به عنوان نمونه در ادامه به نظرات برخی فقهای قائل به این دیدگاه اشاره می‌گردد:

شیخ صدوق، ابوصلاح حلبی و سلار دیلمی در باب مسکرات در این باره بیان می‌دارد مطابق نصوص شرعی و اجماع مسلمانان حرمت خمر روشن بوده و تفاوتی بین کم و زیاد آن نیست و همچنین تفاوت ندارد که شراب خالص باشد یا اینکه با شیء دیگری از مایعات مخلوط و ممزوج شده باشد؛ بنابراین اگر مقداری شراب با سرکه، آب یا دارو مخلوط و در آن حل شود باید از آن پرهیز کرد زیرا مصرف آن حرام و مستوجب حد شرعی است؛ ایشان مسئله را با استناد به اینکه همه مسکرات ذیل یک عنوان و متحد در وصف اسکار می‌باشند به سایر مسکرات نیز سرایت داده است (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۷۹۹؛ حلی، ۱۴۰۳: ۲۷۹؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۷). شیخ طوسی نیز خوردن آنچه مقداری شراب در آن افتاده را اعم از آنکه غذا، دارو و یا از نوشیدنی‌ها باشد جایز ندانسته است؛ بر این بنیاد، هر کس آگاهانه از مایع یا غذایی که مقداری شراب در آن افتاده و در آن مستهلک شده تناول کند، مستوجب حد است (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹/۸؛ همو: ۷۱۲). همین دیدگاه در کتاب الانتصار توسط سید مرتضی نیز بیان شده است (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۴۲۳).

علاوه بر فقهای متقدم، متأخرین از آنان نیز در مسئله مورد بحث قائل به حد شده‌اند. چنان‌که ابن‌ادریس حلی در این باره آورده است: «مصرف خمر اعم از اینکه به نحو نوشیدن یا خوردن باشد حرام و مستوجب حد است؛ همچنین شُرب مسکر خواه به صورت خالص و خواه ممزوج جایز نیست؛ بنابراین در صورتی که مایع خمیری با غیر آن مخلوط گردد، به نحوی که خمر در آن مایع مستهلک شود نوشیدن آن مستوجب حد است. اما چنانچه استهلاک سبب زوال موجودیت خمر شود و وصف اسکار را زایل نماید، حد ثابت نیست؛ چه با زوال عنوان، حکم هم رفع می‌شود (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۷۶/۳). بیان محقق حلی و برخی دیگر از فقیهان نیز پیرامون استهلاک خمر به این صورت است: «بنا به ادله شرعی نوشیدن شراب به نحو خالص و یا مخلوط اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، جایز نیست؛ لذا مصرف مایع خمیری را که با مایع دیگری مانند آب یا دارو و یا غذا ممزوج و در آن مستهلک شده است جایز نمی‌باشد، زیرا ادله در این باره مطلق است و شامل هر خمیری و در هر حالتی می‌شود؛ یعنی هر آنچه که شأنیت مسکر بودن را دارد هرچند مست نکند



و یا به خاطر استهلاک وصف اسکار خود را از دست بدهد، باز هم مستوجب حد است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۵۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۳۴۹/۵؛ همو، ۱۴۱۳: ۱۴۰/۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷/۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲: ۱۹۷/۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۶/۱۶).

۲-۴- دیدگاه مخالف

در مقابل نظر مشهور عده‌ای از ایشان موضع مخالف دارند؛ چنان‌که محقق خوینی در فرض مسئله با خدشه بر استناد مشهور بر صحیح‌ه عبدالرحمن می‌گوید: «هرچند حرمت مایع مستهلک شده مسلم است اما این مایع مشمول حد شرب خمر نیست. ایشان ظاهراً مستند فتوای خود را اطلاق صحیح‌ه عبدالرحمان و عدم ملازمه میان حرمت و کیفر قرار می‌دهد. در این صحیح‌ه آمده است: عبدالرحمان می‌گوید از امام صادق (ع) پیرامون خمر قلیل سؤال کردم امام صادق (ع) فرمودند: «آنچه که کثیر آن مست‌کننده است، کم آن نیز حرام است و در همین راستا مردی به حضرت عرض کرد اگر با آب مخلوط شود حکم آن چیست؟ امام فرمودند باز هم حرام است؛ زیرا آب نمی‌تواند حرام را حلال کند، از خدا بترسید و آن را نوشید» (حرعالمی، ۱۴۰۹: ۳۳۹/۲۵). در این روایت نسبت به ثبوت مجازات بر خوردن یا تناول خمر مستهلک مطلبی نیامده و تنها درصدد بیان حرمت آن است و با توجه به اینکه ملازمه‌ای میان حرمت و عقوبت نیست، مشمول حد شرعی نمی‌شود و ثابت دانستن حد بر استعمال کننده خمر مستهلک، تحکم (بی‌دلیل) است. افزون‌براین، ایشان استناد دیدگاه مشهور به اجماع را از نوع مدرکی دانسته که از منظر فقهای شیعه حجیت ندارد (خوینی، ۱۴۲۲: ۳۲۹/۴۱). امام خمینی نیز در مسئله موردنظر، دیدگاهی مشابه با آیت‌الله خوینی داشته و ابقاء حکم شرعی حرمت را ملازم با ثبوت حد شرب خمر نمی‌دانند (خمینی، بی‌تا: ۴۷۸/۲).

مقدس اردبیلی نیز در مقابل نظر مشهور قائل بر آن است خمر مستهلک، علاوه بر آنکه مستوجب حد شرعی نیست، تحریم آن نیز برداشته می‌شود؛ بیان معظم له به این صورت است: «در صورتی که خمر با مایعی دیگر مانند آب مزوج شود و در آن مستهلک شود، با توجه به آنکه وصف اسکار زایل شده، نوشیدن آن شرب خمر محسوب نمی‌شود؛ چه احکام تابع اسامی و عناوین هستند و زمانی که خمر با غیر آن امتزاج و مستهلک گردد دیگر اسم خمر بر آن صدق نمی‌کند. به عنوان نمونه چنانچه قطره‌ای شراب در ظرف آبی بیفتد و مستهلک شود نمی‌توان آن را شراب دانست و مانند اینکه اگر کسی سوگند یاد کند که روغن نخورد نمی‌توان گفت از غذایی که با روغن پخته شده اجتناب کند؛ به عبارتی در این باره خوردن روغن صدق نمی‌کند و در مورد خمر مستهلک شده هم همین شرایط جاری است و تفاوتی با هم ندارند؛ بنابراین مایع مستهلک شده مشمول حکم حرمت و حد شرعی نیست (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۸۵/۱۳). محقق خوانساری نیز معتقد است با توجه به آنکه احکام ذیل یک اسم، عنوان و موضوع هستند، ابقاء حکم منوط به باقی بودن اسم و عنوان است و با زوال آنها حکمی که بر آن موضوع قرار می‌گیرد، به تبع زایل می‌گردد. مستظهر از بیان مذکور آن است که

علت حرمت خمر و وجوب مجازات حدی، وصف اسکار بوده و این وصف به واسطه استهلاک مسکریت، زایل گشته است؛ از این رو نمی‌توان قائل به ثبوت حد شرعی شرب خمر بود (موسوی خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲۲/۷).

برخی از فقهای معاصر نیز همانند آیات عظام موسوی اردبیلی و گلپایگانی در این دسته قرار می‌گیرند. اینان نیز برآنند که: «استهلاک خمر با مایعات از آن رو که استهلاک باعث زوال وصف مسکریت می‌شود، مصرف آن مستوجب حد نیست. از طرفی چون حد شرعی مختص به شرب خمر است نه اعم از آن، یعنی شامل کلیه محرّمات شود؛ بنابراین در فرض مذکور یعنی به هنگام استهلاک خمر، اسم و موجودیت آن از بین می‌رود و به تبع، عنوان آن زایل شده و حکم اولیه آن هم برداشته می‌شود؛ چرا که با امتزاج خمر و حصول استهلاک اسم مسکر بر آن صدق نمی‌کند و مشمول حد شرعی شرب خمر نیست، هرچند خوردنش حرام است»؛ ایشان دلیل حرمت شرب خمر را روایت می‌دانند، اما در روایات بیانی در ثبوت حد شرعی بر استعمال‌کننده وارد نشده است و از این جهت مطلق است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۷۷/۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳۱۶/۲). همسو با دیدگاه دو فقیه مذکور، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری را می‌توان نام برد. ایشان در این مسئله تفصیل دقیق‌تری ارائه نموده و آورده است: «در ثبوت حد شرب خمر تفاوتی در اینکه مسکر مذکور قلیل باشد و یا کثیر، خالص باشد و یا ممزوج نیست؛ زیرا اطلاق اسم مسکر شامل هر دو مورد می‌شود و این مورد در موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام بیان شد. همچنین مستفاد از ادله این است که حکم حرمت و حد به ذات طبیعت آنچه در خارج اتفاق می‌افتد تعلق گرفته و با توجه به سخت‌گیری شدید که در مورد این عمل خبیث در شریعت انور وجود دارد حکم مذکور موافق با مذاق شریعت است؛ اما امتزاج خمر با غیر مورد آن به دو صورت است: صورت اول، بقاء وصف اسکار است که در این صورت حرمت آن باقی و استعمال آن با حد شرب خمر مواجه خواهد بود. صورت دوم، موردی است که ذات یعنی اسکار زایل شود که در این حالت حرمت و نجاست آن باقی است اما در ثبوت حد در این مورد اشکال جدی وجود دارد؛ زیرا ادله به صورت اول انصراف دارند. تتبع در آراء فقهی میرزا جواد تبریزی و صاحب تفصیل الشریعه نیز، بیان صاحب مهذب الاحکام را تأیید می‌نماید (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۴۵۷؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ۲۷۸). فقیه معاصر دیگر یعنی آیت الله سید صادق روحانی در ارتباط با خمر مستهلک شده چنین فتوا می‌دهد: «در جایی که مقداری شراب با مقداری آب که اندازه آن بر شراب غلبه دارد مخلوط شود و در آن مستهلک شود، به خاطر اینکه کثرت آب موجب زوال وصف اسکار شده و باعث خروج مایع خمر از حقیقت خود است، لذا موجب جریان حد شرعی نیست، هر چند نوشیدن آن حرام است؛ اما اینکه گفته شد چنین مایعی مستوجب حد نیست؛ به خاطر این است که ادله شرعی، مایعی را مستوجب حد می‌دانند که دارای حالت اسکار باشد؛ حال آنکه در فرض مذکور که خمر با غیر آن مستهلک شود دیگر مسکریت بر آن مصداق پیدا نمی‌کند و دلیلی برای ثبوت حد نیست؛ مگر اینکه بگوییم در این باره اجماع وجود دارد؛ با این حال در مسئله



مزبور اجماعی محقق نشده است (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۸۱/۲۵).

۵- بررسی ملازمه میان حرمت و وجوب حد

مشهور فقیهان بر این عقیده‌اند که میان وجود حرمت و ثبوت آن ملازمه‌ای وجود ندارد؛ چه، اولاً در اسلام حرمت‌های فراوانی اعم از نوشیدنی‌ها و غیرنوشیدنی‌ها وجود دارد که هرچند حرامند ولی مستوجب حد نیستند. صاحب ریاض در این باره آورده است: «در مورد نوشیدن عصیر خرما و عصیر کشمش زمانی که به اسکار نرسند دو وجه است: یکی نظر به حرمت آنها دارد و دیگری نظر به حلیت. و بنا بر آنچه در کتاب اطعمه و اشربه بیان شد اشهر و اقوی نظر دوم یعنی «حلیت» است؛ پس بر مبنای هر دو قول نوشیدن آن مشمول حد نیست به خاطر اینکه بین وجود تحریم و ثبوت حد هیچ‌گونه ملازمه‌ای وجود ندارد؛ مگر اینکه در مورد تلازم میان این دو اجماعی وجود داشته باشد. اما استظهار از سخن اصحاب وجود دو وجهی است که ذکر شد و اجماعی در مورد ملازمه بین حرمت و ثبوت حد در کلام آنها موجود نمی‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۸/۱۶؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۴۸۱/۲۵). علاوه بر بیان صاحب ریاض، عدم تلازم میان وجود حرمت و ثبوت حد از کلام دیگر فقها نیز برداشت می‌شود (خمینی، بی تا: ۴۷۸/۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۸۶/۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۹/۴۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۱۸/۲)؛ چنان‌که در این میان جمع دیگر فقیهان از جمله امام خمینی بیان می‌دارد: «هنگامی که مایع مسکر با غیر آن مانند غذا و ادویه امتزاج یابد به نحوی که در آن مستهلک شود و اسم مسکر بر آن صدق نکند در ثبوت حد نسبت به آن اشکال هست اگرچه آن مایع حرام است (خمینی، بی تا: ۴۷۸/۲).

دو فصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۳
دوره پنجم، شماره دهم



۶- تغییر ذاتی خمر با استهلاک

با توجه به آنکه وقوع استهلاک حاوی تغییر و تحول است قبل از تشریح ادله موافقین و مخالفین، لازم است انواع تغییرات بیان و مشخص شود که استهلاک تحت کدام عنوان قرار می‌گیرد؛ بررسی‌ها نمایان می‌سازد برای تغییر و تحول انواع مختلفی از جمله تغییر ذاتی، صفاتی و حالی بیان شده است. مراد از «تغییر ذاتی» آن است که ذات شیء تغییر یابد مانند سوختن چوب و تبدیل آن به خاکستر که «استحاله» از این نوع است. قسم دیگر آن «تغییر صفاتی» است که عبارت است از اینکه صفت شیء تغییر یابد «صبقت القرطاس فصارت أحمراً». و «تغییر حالی» یعنی اینکه که حالت شیء تغییر یابد مانند اینکه شراب بعد از مدتی به سرکه تبدیل شود که «انقلاب» از این موارد است. بررسی «استهلاک» نسبت به اقسام تغییر در بردارنده احکام متعددی خواهد بود. چنان‌که اگر قائل شویم به اینکه «استهلاک» تحت عنوان تغییر ذاتی است به این معنا خواهد بود که به کلی ذاتش دچار تغییر و نابودی شده است، پس ما آن ماده اولیه را نداریم لذا حکم اولیه‌ای هم نباید داشته باشیم. به بیانی دیگر، اگر حرمت مایع خمر و حد شرب خمر را تابع مفسده آن یعنی سکرآوری مایع

خمر بدانیم آن گونه که بعضی از علما احکام را تابع مفسده و منفعت آنها می دانند، با تغییر ذاتی و انتفاء وصف اسکار حرمت و مجازات حد از مایع مذکور برداشته می شود. با وجود این، اگر استهلاك را تحت عنوان تغییر حالی بدانیم، مثلاً فقط حالت ترشی آن تغییر به حالت شوری شود حکم حرمت و حد در مورد آن باقی است. چنانچه استهلاك را ذیل تغییر صفاتی قرار دهیم، اگر مشابه تحولی باشد که صفت مست کنندگی از مایعی حاصل آید، می توان آن را فرجام تغییرات ذاتی و حالی دانست. بر سامان قوانین شیمیایی مواد که حاصل آزمایشات علم شیمی است، در صورت امتزاج یک مایع با مایع دیگر به نسبت کثرت یکی از آنها و قلت دیگری، آن مایع کمتر اصالت خود را از دست می دهد و به یک اندازه ای از تفاوت در کمیت که برسد؛ مایع کمتر به طور کلی خاصیت و ذات خود را از دست می دهد؛ ظاهراً برآمد قوانین شیمی، قرار گرفتن استهلاك ذیل «تغییر ذاتی» است.

۷- بررسی و نقد ادله حد و حرمت استهلاك مسکر

۱-۱-۷ آیات

آیه شریفه ۹۰ سوره مائده^۱ که به تشریح حکم حرمت خمر اشاره دارد، از جمله مستندات قول مشهور بر حرمت و ثبوت حد شرعی بر استعمال خمر مستهلك است. اینان با تکیه بر اطلاق حرمت خمر، بر این عقیده می باشند که مسکر خواه کم یا زیاد باشد اعم از آنکه خالص بوده یا با ماده دیگری امتزاج یافته باشد، حرام و موجب ثبوت حد است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۱۱؛ سلاردیلی، ۱۴۰۴: ۲۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۰/۳؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۰/۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۵۱۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۶۸/۱).

نقد: مستفاد از اطلاق آیه، صراحت حرمت مسکر (خمر) است؛ از این رو، اطلاق موجود تنها در بردارنده چیزی است که وصف مسکریت آن مبرهن است و این حالتی که خمر بودن مایع حقیقتاً معلوم نیست را در بر نمی گیرد. بر این بنیاد، استهلاك که موجب غلبه مایع دیگر بر خمر شده و مطابق با علم شیمی، اختلاط مایعات با یکدیگر، باعث کاهش اوصاف آنان شده و در حالتی که یکی از مایعات بیش از دیگری باشد، تأثیر بیش تری بر زوال اوصاف مایع کم تر می گذارد؛ حال اگر این اختلاط به حدی برسد که مایع قلیل به سبب غلبه کمی و کیفی، موجودیت و اصل خود را از دست بدهد، بی تردید وصف مورد نظر زایل شده است.

۲-۲-۷ روایت

دلیل دیگری که مشهور بدان استناد نموده اند، روایت عمر بن حنظله است (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۷۹۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۸/۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۶/۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۵/۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۱۴۱۲).

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۹۰).



۱۹۶/۹؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۵۱۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۴/۱۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۶۸/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۹۰/۶؛ او (عمر بن حنظله) در این باره بیان داشته «از امام صادق علیه السلام در موردی سؤال نمودم که کاسه‌ای از مسکر که در آن آب ریخته می‌شود تا حالت عادی آن (که اسکار است) از بین برود، امام (ع) در این باره فرمودند: به خدا سوگند آن (مست‌کنندگی) زایل نمی‌شود؛ حتی اگر قطره‌ای از آن داخل کوزه بزرگی انداخته شود، مگر در صورتی که آن کوزه آبش ریخته شود» (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۳۴۱/۲۵).

نقد: استدلال به روایت دارای اشکال است؛ چه سؤال به‌طورکلی مطرح شده و تنها ناظر به حکم شرعی حرمت خمر ممزوج به آب یا سرکه است و در ارتباط با حد شرعی روایت مسکوت است. همچنین لفظ «الا» در ذیل روایت اشاره به آن دارد که چنانچه وصف اسکار تماماً زایل شود، حکم حرمت از بین می‌رود. در جایگاه مؤید می‌توان به روایت حلبی از امام صادق (ع) اشاره نمود که «در مورد مردی سؤال شد که نبیذ نوشیده و مست نشد، ایشان در جواب فرمودند که مستوجب حد نیست» (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۲۸).^۱ استظهار از روایت مزبور آن است که مستوجب حد، شأنیت و وصف اسکار است و با اضمحلال آن چه بسا حرمت نیز منتفی می‌شود. در فرض مورد بحث یعنی وقوع استهلاک که با موجب زوال اسکار گردد، حد برداشته می‌شود؛ بر این سامان، از روایت عمر بن حنظله با توجه به عبارت «حَتَّى تَذَهَبَ عَادِيْثُهُ» که ظاهراً اشاره به باقی بودن اندکی از حالت اسکار دارد، تنها حکم حرمت مستفاد است؛ بنابراین به استناد هر دو روایت می‌توان قائل به انتفاء حد شد.

دو فصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۳۳
دوره پنجم، شماره دهم



۷-۳- ذاتی بودن حرمت مسکر

مشهور فقها با اعتقاد به ذاتی بودن حرمت مایع خمر، برآنند که حصول تغییر در آن موجب نابودی آن نیست و از این رو با حاصل شدن استهلاک خمر، چنانچه در ابقاء حرمت آن شک شود، حرمت قبلی (یقین سابق) استصحاب می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۷۹۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۸/۸؛ همو: ۷۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۶/۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۵/۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۱۹۶/۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۴/۱۶).

نقد: استناد به ذاتی بودن خمر و استصحاب آن در فرض وقوع شک، مطابق با ملاکات و مضامین دیدگاه مشهور، دارای وجاهت است. اما این مستند نیز خالی از ایراد نمی‌باشد؛ چه اگر روشن گردد که خمر با استهلاک، مست‌کنندگی را از دست داده است، بی‌تردید دیگر استصحاب یقین سابق محلی از اعراب ندارد. افزون بر آن، با وجود روایت حلبی و مانند آن، که در زمره ادله اجتهالی قرار دارد، دیگر نوبت به استصحاب به عنوان یکی از ادله فقهاتی نمی‌رسد. به علاوه می‌توان در مسئله از علوم تجربی، به ویژه علم شیمی بهره گرفت. ایراد دیگری که می‌توان به مستند فوق وارد نمود، عدم تلازم

۱- «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَذَ سَارِبُ اللَّيْبِذِ وَ لَمْ يَشْكَرْ أَوْ يَجْلُدُ ثَمَانِينَ قَالَ لَا وَ كُلُّ مُشْكَرٍ حَرَامٌ»

میان حرمت و کیفر است؛ همچنین از آنجا که احکام بر مبنای مصالح و مفسدات ثابت می‌گردند، با از بین رفتن مفسده، حکم اولیه موضوعات نیز ساقط گردد. از این رو، حکم حرمتی که بر شرب خمر صادر شده، از باب اسکار آن است و با زوال آن علاوه بر حد، چه بسا حرمت نیز از آن برداشته شود. در بیان علت حرمت خمر می‌توان از تعاریف خمر در کلام فقیهان بهره برد که عموماً آن را همراه با قید «مست‌کنندگی» آورده‌اند (رک: نجفی اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۹۱/۶). بنابراین ماده خمر تا زمانی که وصف اسکار بر آن صدق می‌نماید افزون بر حرمت دارای حد شرعی است و پس از مستهلک شدن آن و از بین رفتن وصف اسکار، دیگر نمی‌توان آن را دارای وصف «مستی» دانست.

۷-۴- اجماع

دلیل دیگری که مشهور بدان استناد نموده و در فرض مورد بحث به تمسک به آن قائله به ثبوت حد شرعی شده‌اند، «اجماع» است (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۷۹۸؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۶/۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۵/۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲: ۱۹۶/۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۶۸/۱؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۵۱۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۴/۱۶؛ خویی، ۱۴۲۲: ۳۲۹/۴۱).

نقد: دلیل اجماع نیز با دو ایراد جدی مواجه است: نخست آنکه، با وجود متقدمانی مانند ابوصلاح حلبی و ابن ابی عقیل عمانی و سیدمرتضی علم‌الهدی، بی‌تردید تحقق اجماع دست کم با خدشه روبه‌رو است (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۹۳؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۴۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۴۵۴؛ ابن جنید، ۱۴۱۶، ۳۴۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۵۳۶/۲)؛ از معاصرین نیز چنان‌که گذشت بسیاری از جمله محقق خویی اجماع در مسئله را رد نموده است (خویی، ۱۴۲۲: ۳۲۹/۴۱). ایراد دیگر وارده، آن است که با وجود روایات وارده، اجماع از نوع مدرکی بوده که فاقد حجیت است. از این رو، دلیل اجماع فاقد استناد می‌نماید.

۸- حقوق موضوعه

در قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۶۴ بیان می‌دارد «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط، به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند موجب حد است». استظهار از قانون مجازات اسلامی به خصوص صدر ماده آن است که در این باره از دیدگاه مشهور فقیهان پیروی کرده است؛ در این ماده نکته‌ای بیان شده و آن این است که در مورد مایع مسکری که خالص نیست و ممزوج شده در صورتی آن را مشمول حد می‌داند که امتزاج آن باعث از بین رفتن حالت اسکار آن نشود. پس مفهوم مخالف این جمله آن است که اگر امتزاج، باعث انتفاء مست‌کنندگی خمر بشود مستوجب مجازات حد نیست. مفهوم استهلاک نیز همان‌گونه که بیان شد با این قسمت از ماده مطابقت دارد. بر بنیاد این بخش از ماده، اگر مسکر با مایع دیگری مخلوط شود و در آن مستهلک شده به طوری که از مسکر بودن خارج شود،



موجب حد نیست. مشابه این نظر در کلام صاحب جواهر دیده می‌شود که بیان می‌دارد اگر مسکری حرارت داده شود چون حرارت باعث از بین رفتن اجزاء آن است مشمول حد نیست اما حرمت آن باقیست. جمع میان نظر صاحب جواهر و قانون بدین صورت است که با انتفاء مست‌کنندگی، حد ساقط می‌شود. چنان‌که پیداست، صدر و ذیل ماده ۲۶۴ ق.م.ا. با تناقض روبه‌رو است، اما رویه قضایی معمول آن است که با اشاره به صدر ماده به صورت مطلق حکم به ثبوت حد شرب خمر می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

۹- بررسی حالات مایع مستهلک شده با استفاده از داده‌های شیمی

علت مست‌کنندگی شراب وجود الکل یا همان اتانل در آن می‌باشد، چه وجود اتانل باعث شود در قسمتی از مغز به نام گلوتامات که انتقال‌دهنده پیام است اختلال ایجاد شود. در واقع گلوتامات یک انتقال‌دهنده عصبی بوده که معمولاً نورون‌ها که مسئول رساندن پیام به مغز هستند را تحریک می‌کند؛ زمانی که اتانول به آن متصل می‌شود، اجازه فعال شدن گلوتامات را نمی‌دهند و همین امر باعث می‌شود که مغز بسیار آهسته‌تر به محرک‌ها پاسخ دهد. یعنی عملکرد مغز کاسته شده و عقل زایل می‌شود. اما با توجه به قانون علمی ثابت شده در علم شیمی از اجزاء اصلی تشکیل‌دهنده الکل فنل‌ها و تانن‌ها هستند که این دو وقتی با مقداری آب مخلوط شوند غلظت و خواص اصلی را می‌بازند. بنابراین باعث کاهش و به نسبت از بین رفتن الکل می‌شود که در نهایت به واسطه از بین رفتن الکل مست‌کنندگی که ذات خمر است از بین می‌رود.

دو فصلنامه
پاییز و زمستان ۱۴۳۳
دوره پنجم، شماره دهم



نتایج مطالعه شیمیایی نشان داد که غلظت فنل‌ها و تانن‌ها به طور قابل توجهی نسبت به شاهد H-3 با تمام تیمارهای اضافه‌آبدار پایان تخمیر کاهش می‌یابد (Ssonko Umar Lule & Wenshui Xi-). علاوه بر این از روش علمی دیگری به نام «درصد حجمی» می‌توان پی برد که با امتزاج خمر با مایع دیگری از جمله آب غلظت خمر به نسبت کاهش یافته و به صفر خواهد رسید؛ به این صورت که با افزایش درصد حجم آب درصد الکل تا صفر درصد پایین خواهد آمد.

$$\begin{aligned} \text{درصد حجمی} &= \frac{\text{حجم حل شونده}}{\text{حجم محلول}} \times 100 \\ \text{درصد} &= \frac{30 \times 100}{70} = \frac{300}{7} = 40 \text{ / } 7 \\ \text{درصد} &= \frac{500 = 5/}{95} \times 100 = 5 \times 100 \\ \text{درصد حجمی} &= \frac{400 = 5/}{96} \times 4 \end{aligned}$$

۱۰- بررسی و نقد کلی بر ادله و آراء قول مشهور

همان‌طور که گذشت، برآمد قول مشهور آن است که با استناد به مایع مسکر همچنان احتمال

شأنیت و وجود وصف اسکار با تکیه بر احتیاط ثابت می‌دانند؛ اما با توجه به وضعیت واقع شده به وسیله استهلاک در خمر که سبب زوال وصف اسکار است، به نظر می‌رسد با مشکل جدی مواجه است؛ چه همان‌طور که گذشت آزمایشات شیمیایی نیز مؤید این نظر است و بر این سامان نمی‌توان همچنان خمر را واجد وصف مست‌کنندگی که ملاک اصلی تشریح حرمت و ثبوت حد است، دانست؛ چیزی که قائلان به قول مشهور بر آن تأکید دارند و همان ادله حرمت خمر را برای آن بیان نموده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۷۹۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹/۸؛ همو: ۷۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۷/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۲/۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۵/۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۲: ۱۹۷/۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸: ۶۵/۱۶). اما بر دیدگاه مشهور چند اشکال اساسی وارد است:

نخست آنکه، تتبعات در آراء ایشان در مصادیق دیگر استهلاک در ابواب فقهی مانند صوم یا لباس نمازگزار در جایی که در بافت لباس نمازگذار مقداری ابریشم موجود است، قائل به حلیت شده‌اند؛ اما در مبحث استهلاک در خمر عکس این دیدگاه را بیان نموده که خود نمایانگر تناقض در آراء ایشان است.

دوم آنکه، فقیهان برآند حرارت آتش موجب سقوط حد است، چه باعث زوال اجزاء خمر می‌شود. با توجه به این نظر و آن‌گونه که در تبیین استهلاک بیان گردید، به معنی از بین رفتن وصف اسکار بوده و با توجه به دیدگاه صاحب جواهر و دیگر فقها که معتقدند با انتفاء اجزاء خمر به هنگام به جوش آمدن آن دلیلی بر حرمت وجود ندارد، حرمت نیز ساقط است، می‌توان با وجود وحدت ملاک یعنی زوال اجزاء خمر در مایع دیگر، حد و حرمت را منتفی دانست. چنان‌که برخی از فقیهان این دیدگاه را بیان نموده‌اند (ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۳۹/۲). همچنین روایت حلبی مؤید این نظر است (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۲۸).

سومین اشکالی که بر دیدگاه مشهور می‌توان وارد نمود قاعده دره می‌باشد؛ مطابق با این قاعده که شبهه موجب زوال حد می‌شود. حال در جایی که هیچ‌کدام مواردی که بیان شد و آنچه ذیل نقد و بررسی ادله قول مشهور گذشت نباشد نیز استصحاب حد و ثابت دانستن آن با روایت نبوی (ص) «تدراً الحدود بالشبهات»، در تناقض است.

الف: نتیجه‌گیری

بی‌تردید، رسوخ وصف اسکار در خمر موجب حرمت و ثبوت حد شرعی شرب خمر است؛ در این باره، میان تمام مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد. اما در حالتی که خمر با استهلاک در شمار اسباب تبدل موضوع قرار دارد، مواجه گردد، نظرات اختلافی میان فقیهان مطرح است. بررسی‌ها نمایان می‌سازد که مشهور فقیهان امامیه در باب استهلاک مسکرات قائل به حرمت و ثبوت حد می‌باشند؛ در مقابل برخی از فقیهان نیز نظر مخالفی را بیان داشته و یا به طور کلی قائل به انتفاء تحریم و حد می‌باشند یا تنها حد را ساقط دانسته‌اند. مشهور برای دیدگاه خود به ادله‌ای استناد



نموده‌اند که پژوهش حاضر با تحلیل و تدقیق در ادله موافقین با ثبوت حرمت و حد، نسبت به رد آن اقدام نمود. وجه اشتراک ایرادات وارده بر ادله مشهور زوال وصف اسکار نسبت به خمر مستهلاک است. به علاوه استناد به اطلاق آیات و روایات وارده که تنها به حرمت «خمر» و ثبوت حد بر آن اشاره دارد، همچنین دلیل اجماع که با وجود روایات، مدرکی است و در بین متقدمین، متأخرین و معاصرین از فقها، قول مخالف وجود دارد و دلیل استصحاب یقین سابق نسبت به بقاء اسکار خمر با وجود دلیل اجتهادی با مشکل جدی مواجه است. افزون بر ایرادات وارده بر مستندات موافقین با دیدگاه مشهور، داده‌های علم شیمی نیز ثابت می‌نماید، چنانچه، استهلاک و امتزاج خمر با مایع دیگر، موجب زوال وصف مسکریت خمر شود، بی‌تردید دیگر نمی‌توان آن را حرام دانست و استعمال آن را موجب ثبوت حد شمرد. ادعا با این بیان که احکام براساس مصالح و مفاسد ثابت می‌شود و با زدودن آن مفسده، حکم نیز زایل می‌گردد، تقویت می‌شود.

ب: پیشنهادات

پیشنهاد پژوهش با توجه به دستاوردهای آن در نقد دیدگاه مشهور که مورد نظر قانون‌گذار نیز می‌باشد، لزوم بازنگری و اصلاح ماده ۲۶۴ ق.م.ا. است. دست کم افزودن تبصره‌ای با مضمون ذیل و حذف تبصره این ماده که اشاره بر ثبوت حد نسبت به خوردن فجاج حتی در فرض عدم مستی است می‌تواند در اصلاح ماده مزبور مؤثر افتد. تبصره پیشنهادی از این قرار است: «مصرف خمر مستهلاک و ممزوج شده با دیگر مایعات چنانچه باعث زوال وصف اسکار شده باشد، موجب سقوط حد شرعی شرب خمر است، اما چنانچه با هدف مستی صورت گرفته باشد، با جرائم تعزیری روبه‌رو خواهد شد.»

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶)، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری.
۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵)، المقنع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۴. ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶)، المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن‌جنید اسکافی، محمد بن احمد (۱۴۱۶)، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. حلی، یحیی بن احمد (۱۴۰۵)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
۷. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۹. ابوحیب، سعدی (۱۴۰۸)، القاموس الفقهی لغه و اصطلاحا، دمشق، دارالفکر، دوم.

۱۰. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷)، كشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سوم.
۱۱. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۲۴)، مصابیح الظلام، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
۱۲. تبریزی، جواد (۱۴۱۷)، أسس الحدود و التعزیرات، قم، دفتر مؤلف.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح-تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۴. حائری یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۱۹)، العروه الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. حرعاملی، احمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حکیم، محسن (۱۴۱۶)، مستمسک العروه الوثقی، قم، مؤسسه دار التفسیر.
۱۷. خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم.
۱۸. — (۱۴۱۸)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، تحت اشراف جناب آقای لطفی.
۱۹. — (۱۴۲۲)، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره.
۲۰. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۱. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، چهارم.
۲۲. سآر دلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴)، المراسم العلویه و الأحكام النبویه، قم، منشورات.
۲۳. سیدمرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵)، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه.
۲۵. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم.
۲۶. طباطبائی یزدی، علی بن محمد علی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتب العربی.
۲۸. طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸)، الوسيله الی نیل الفضيله، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان الی أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۱. — (۱۴۱۳)، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسيله، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. فخر المحققین حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، العین، قم، نشر هجرت، دوم.
۳۶. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم.
۳۷. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم، مؤسسه المطبوعات الدینییه، ششم.



۳۸. — (۱۴۱۳)، الرسائل التسع، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۹. — (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۴۰. — (۱۴۱۲)، نکت النهایه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۹)، رسائل، قم، دفتر نشر اسلامی.
۴۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید، دوم.
۴۴. موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۴۵. موسوی خوانساری، احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۴۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳)، موسوعه الفقه الاسلامی، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه.